

www.ketab.ir

در باب تاریخ الحاد

در اسلام

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

عبدالرحمان بدوی

ترجمه‌ی معین کاظمی‌فر

با مقدمه‌ی مصطفی ملکیان

سرشناسه	: بدوی، عبدالرحمن، ۱۳۱۱-۲۰۰۲ م.	Badawi, Abd al-Rahman
عنوان قراردادی	: من تاریخ الإلحاد في الإسلام. فاسی.	
عنوان و نام پدیدآور	: در باب تاریخ الحاد در اسلام عبدالرحمن بدوی؛ ترجمه معین کاظمی فر.	
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۸.	
مشخصات ظاهری	: ۲۵۳ ص.	
فروست	: اسلام پژوهی.	
شابک	: 978-622-6189-28-6	
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.	
موضوع	: الحاد.	
موضوع	: Atheism.	
موضوع	: زندگی.	
موضوع	: Zandaqah*.	
شناسه افزوده	: کاظمی فر، معین، ۱۳۶۵ - ، مترجم.	
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ م ۴۸۰۴۱ ب ۳/۲۲۵ BP	
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۴	
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۳۷۳۳۱	

در بابِ تاریخِ الحاد در اسلام

عبدالرحمان بدوی

ترجمه معین کاظمی فر

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

کتابساز

ناشر: نشر نگاه معاصر، وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر

مدیر هنری: باسَم الرِسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حر فچینما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۲۸-۶

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negash.moaser94@gmail.com

فهرست

- ۹ پیشگفتار مؤلف
- ۱۵ مقدمه استاد مصطفی ملک
- ۱۹ پیشگفتار ناشر عربی
- ۲۱ پیشگفتار مؤلف
- ۲۷ مقدمه: روح تمدن خاورمیانه
- ۴۵ ابن مقفع
- ۴۷ زندقه
- ۵۵ زندیقان پیشرو
- ۶۱ ابن مقفع و زندقه
- ۶۹ باب برزویه در کلیله و دمنه
- ۸۳ ابن راوندی
- ۱۰۷ قطعات کتاب زمرد براساس مجالس مؤیدیه
- ۱۱۴ قطعات کتاب زمرد براساس آثار دیگر
- ۱۱۶ ساختار کتاب زمرد

- ۱۱۸.....تحلیل محتوای زمرد
- ۱۲۴.....کتاب زمرد و دفاع کندی
- ۱۳۲.....برهمنان در کتاب زمرد
- ۱۴۵.....ردیه‌های نوشته شده بر کتاب‌های ابن راوندی
- ۱۵۲.....تحلیل ردیه اسماعیلی
- ۱۵۷.....در باب ندگی ابن راوندی
- ۱۹۱.....محمد بن زکریا، ازی
- ۱۹۵.....نقد نظریه نبوت
- ۲۰۳.....نقد ادیان
- ۲۰۹.....نقد کتاب‌های مقدس
- ۲۲۳.....□ سخن پایانی
- ۲۲۷.....□ پیوست
- ۲۲۷.....جابر بن حیان
- ۲۳۷.....□ مستندات پراکنده درباره ابن مقفع و فرزندش
- ۲۴۳.....□ کتاب نامه

پیشگفتار مترجم

اثری که پیش در دسترس دارد ترجمه کتاب من تاریخ الاحاد فی الاسلام تألیف عبدالرحمان بدوی متفکر سرشناس مصری است. این کتاب از نخستین آثاری است که به موضوع الحاد در تمدن اسلامی پرداخته و با آنکه بیش از ۱۰ سال از چاپ نخست آن در مصر می‌گذرد احتمالاً هنوز از مهم‌ترین و جدی‌ترین آثاری است که در این حوزه انتشار یافته است. مقالات این کتاب به صورت منفرد نوشته شده و بدوی علاوه بر آنکه برخی قسمت‌های این کتاب را نگاشته، وظیفه گردآوری مقالات و تدوین این مجموعه را نیز به عهده داشته است. صرف نظر از مقالات بدوی، نوشته‌های سه محقق دیگر در این مجموعه آمده است که عبارتند از: پل کراوس، فرانچسکو گابریلی و کارلو آلفونسو نالینو.

در مورد عنوان کتاب ذکر این توضیح ضروری است که واژه «الحاد» از جمله واژه‌هایی است که دلالت و شمول معنایی آنها در طول زمان تغییر یافته و امروزه در معنایی کمابیش متفاوت با معنایی که گذشتگان اراده می‌کردند به کار می‌رود. الحاد در معنای نخست خود در زبان عربی مترادف «انحراف» است و ملحد در این معنا به فردی اطلاق می‌شود که از یک راه یا آیین منحرف شده است؛ اما الحاد رفته‌رفته در ادبیات اسلامی معنایی ثانوی یافت و تبدیل به یک اصطلاح شد؛ الحاد در معنای اصطلاحی خود به معنای «انکار ادیان به طور عام و یا انکار اسلام به طور خاص» به کار رفت. ملحد در این معنا فردی بود که یا اساساً منکر نبوت و انبیا^{علیهم‌السلام} بود و یا اینکه دست‌کم اسلام و نبوت پیامبر اسلام^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} را انکار می‌کرد. در این کتاب همین معنا از الحاد مراد بوده است؛ اما امروزه در زبان فارسی الحاد شمول معنایی وسیع‌تری هم یافته و در معنای سوم نیز به کار می‌رود. معنای الحاد در کاربرد امروزی زبان فارسی از حد انکار انبیا^{علیهم‌السلام} فراتر رفته و به «انکار خداوند» رسیده است. ملحد امروزه معمولاً مترادف با فرد «ناخدا» و

دانسته می‌شود و این در حالی است که در ادبیات قدیم اسلامی معمولاً از افراد ناخدا باور یا عناوینی چون «دهری» یا «طبیعی»، نه ملحد یاد می‌شده است. همان‌طور که اشاره شد الحاد در این کتاب در معنای ثانوی خود به کار رفته است و از این رو جای شگفتی نیست که ملحدانی که در این کتاب به آنها پرداخته شده علی‌رغم انکار نبوت به وجود خداوند باور دارند و بعضاً در این عقیده بسیار استوارند. حاصل آنکه اگر بخواهیم از ادبیات قدیم اسلامی استفاده کنیم باید بگوئیم موضوع این کتاب ملحدان هستند و نه دهریان.

ذکر این نکته نیز ضروری است که دسترسی ما به آراء و نظرات ملحدانی که در این کتاب از آنان سخن به میان آمده، دسترسی مستقیم نیست بلکه تقریباً تمام گفته‌های آنان از خلال ردیه‌هایی که بر آنها نه‌شته شده باقی مانده است. لذا ما در این کتاب علاوه بر سخنان ملحدان با نقد و رد آن سخنان نیز مواجه می‌شویم. برای نمونه مؤیدالدین اسماعیلی در مجلس پانصد و هفده از کتاب معانی مؤیدیه، یکی از عام‌ترین استدلال‌های ملحدان در انکار نبوات را می‌آورد: برهمنان^۱ گفت اندک خاندان به انسان عقل عطا کرده است تا راه راست را بیابد؛ آموزه‌های ادیان نیز از دو خاندان خارج می‌شوند یا آنچه را عقل بدان حکم می‌کند تأیید یا رد می‌کنند؛ اگر تأیید کنند که به وجود آنان، بر نبوت چنانچه ما به خود عقل دسترس داریم و اگر رد کنند که باطل اند چون چیزی که خلاف عقل باشد باطل است. مؤیدالدین نیز در پاسخ می‌گوید که این درست است که آدمی از عقل بهره‌مند است اما عقل در آدمی به صورت نیرویی بالقوه است و حتماً نیاز به وجود پیامبرانی است تا آن نیروی بالقوه را فعلیت بخشند و لذا آموزه‌های ادیان در برابر احکام عقل نیست بلکه بیدارکننده و بسنجیزاننده آنها است.^۲ در سایر موارد نیز چنین است و سخنان ملحدان با نقد و رد‌های مکرر و مناسب از سوی مسلمانان همراه شده است.

این کتاب علاوه بر پیشگفتار، از یک مقدمه، سه فصل و دو ضمیمه تشکیل شده است. پیشگفتار و مقدمه کتاب به قلم عبدالرحمان بدوی است. کوشش نویسنده در پیشگفتار و مقدمه آن بوده که بتواند به این سؤال پاسخ دهد که چرا الحاد در اسلام برخلاف الحاد در غرب، به نفی نبوت محدود ماند و چرا ملحدان تیر خود را به سمت نبوت نشانه رفتند نه الوهیت. وی برای پاسخ به این سؤال به واکاوی روح تمدن خاورمیانه پرداخته است. وی تلاش کرده با تمرکز بر خصلت بنیادین روح تمدن خاورمیانه یعنی باور داشتن به تمایز قاطع بین روح و نفس و کارکرد میانجی‌گرایانه پیامبر بین این دو، به پاسخ سؤال دست یابد. فصل اول کتاب به ابن مقفع، از پیشروان جریان الحاد در اسلام اختصاص یافته است. این فصل خود از سه بخش

تشکیل شده است؛ در بخش اول که به قلم بدوی است، مفهوم زندقه و رابطه آن با مانویت بررسی شده است. بخش دوم این فصل را فرانچسکو گابریلی نوشته و موضوع آن بررسی رابطه ابن مقفع با جریان زندقه است. سؤال مشخصی که محقق در پی یافتن پاسخش بوده عبارت از آن است که چطور می‌توان از یک سو پذیرفت که ابن مقفع مانوی بوده و از سوی دیگر وی را فردی شکاک دانست؟ بخش سوم این فصل به قلم پل کراوس است؛ وی در این بخش تلاش کرده که از طریق مقایسه بخش‌هایی از باب برزویه طیب کلیده و دمنه با بخش‌های به جامانده از کتاب منطق نوشته پولس فارسی، این گمانه را مطرح کند که اصل نوشته برزویه پیش از آنکه توسط ابن مقفع به عربی ترجمه شود نیز حاوی برخی اندیشه‌های شکاکانه نسبت به ادیان بوده است. فصل دوم کتاب دربارهٔ راوندی است؛ این فصل که بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده به تمامی نوشته‌های پل کراوس است. پل کراوس در این فصل به طور مفصل به عقاید ابن راوندی و کتاب زمره دوی پرداخته است. کراوس توانسته از خلال کتاب مجالس مؤیدیه از مؤیدالدین شیرازی داعی به اسماعیلیان به قسمت‌های زیادی از کتاب زمره ابن راوندی دست یابد و در ادامه تلاش کرده که تصویری واضح از عقاید ابن راوندی که از زبان برهمنان در این کتاب بیان شده به دست دهد. در بررسی کتاب زمره از نظر ساختار و محتوا به مباحثی مرتبط با کتاب زمره پرداخته است و از جمله اظهارات الحادی منسوب به کندی را مورد تدقیق قرار داده است و سپس به تصویر ارائه شده از زمره در کتاب زمره و تسری آن به ادبیات اسلامی پرداخته است. کراوس در ادامه فهرستی از رده‌های نوشته شده بر آثار ابن راوندی عرضه کرده و به طور خاص بر تحلیل ردهٔ داعی اسماعیلی تمرکز کرده است. محقق در آخرین بخش این فصل کوشش کرده که به زندگی و تحولات روحی ابن راوندی بر اساس منابع موجود نزدیک شود و طرحی اجمالی از سوانح زندگی وی ارائه دهد. فصل سوم کتاب به آراء محمد بن زکریای رازی اختصاص یافته است. این فصل به قلم بدوی است؛ وی در این فصل نشان داده که چگونه الحاد اسلامی در وجود رازی به اوج خود می‌رسد. بدوی در این فصل با اتکا به رساله‌های به جامانده از رازی و همچنین از طریق رده‌های نوشته شده بر آثار او تصویری منسجم از جهان‌بینی رازی و موضع او در برابر ادیان ارائه می‌دهد و به طور مفصل نقدهای رازی بر نظریه نبوت، ادیان و کتاب‌های مقدس را تشریح و تحلیل می‌کند. بدوی در ضمیمهٔ نخست کتاب خلاصه‌ای از مطالعات مفصل پل کراوس دربارهٔ آراء جابر بن حیان عرضه می‌کند و به ویژه توضیحات جالب توجهی در مورد نظریهٔ جابر در آفرینش مصنوعی انسان می‌دهد اما ارتباط اندیشه‌های جابر بن حیان را با الحاد که موضوع اصلی کتاب است مشخص نمی‌کند. ضمیمه

دوم کتاب به قلم کارلو آلفونسو نالینو است؛ وی کوشیده مواد خام مطالعاتی درباره ابن مقفع را که در طول تحقیقاتش در منابع گوناگون یافته بوده در اختیار محققان بعدی قرار دهد.

از آن رو که این کتاب به صورت مجموعه‌ای از مقالات منفرد فراهم آمده بود از نظر انسجام و نظم دچار کاستی بود و لذا چاره‌ای نبود جز آنکه تغییراتی مختصر در کتاب به وجود آید. از جمله، دو مقاله که در متن اصلی کتاب وجود داشت و از موضوع کتاب دور بودند به قسمت ضمیمه برده شد. همچنین برخی پاورقی‌های نامرتبط به موضوع اصلی کتاب تلخیص شد و برخی توضیحات ضروری در پاورقی افزوده گشت و برخی قسمت‌های متن را که ذکرشان در متن اصلی ضرورت نداشته به پاورقی منتقل شد. شیوه ارجاعات کتاب نیز به صورت یک‌نواخت درآمد و کتابنامه فارسی و عربی و لاتین به کتاب افزوده شد.

از ضمیمه ۱ برای روح نویسندگان ارجمند کتاب که همه از درگذشتگانند آرزوی آرامش و شادی می‌کنم و امیدواره‌ام. جمعه امینی برای نوشته‌هایشان بوده باشم.

قدرناشناسی است که این پیشگفتار را به پایان ببرم و از چند نفر که در به ثمر نشستن این ترجمه مرایار و یاور بودند یاد کنم. پیش از همه، دخترخاله نازنینم دکتر سپیده کنکاش، سرو آزادی که جان در راه دانایی گذاشته و ندانا را رحمتان او را در چشم به هم زدنی از ما گرفت و به سمت خود به بالا برد؛ سپیده تا آخرین رهای حیات پاک و کوتاهش برای این کتاب تلاش کرد ولی تقدیر اجازه نداد ثمره زحماتش را در این جهان ببیند. یادش گرامی و روحش با آرامش ابدی قرین باشد. دیگر باید از زحمات «راوان» و «یاس»‌های بی‌شمار همسرم، ندا هاشمی‌نژاد، در ترجمه و آماده‌سازی کتاب تشکر کنم؛ بی‌تردید بدون مساعدت و مهربانی وی این کار به انجام نمی‌رسید. همچنین مایلم خالصانه‌ترین احترام‌های قلبی خود را نثار استاد بزرگوار مصطفی ملکیان کنم که با مهربانی و لطف پذیرفتند ترجمه کتاب را معائنه کنند و بر آن مقدمه بنویسند؛ جدا از این لطف، بی‌هیچ اغراقی آشنایی با ایشان و آموزه‌هایشان برای من ارزش وجودشناختی داشته است بدین معنی که زندگی شخصی من از اثر آموزه‌های ایشان خوب‌تر و خوش‌تر شده است. از استادان عزیزم دکتر اکبر نحوی و دکتر محمد غفرانی جهرمی و دکتر داوود اسپرهم و جناب آقای مهدی کمپانی زارع نیز به پاس بازخوانی ترجمه کتاب و حمایت‌ها و لطف‌های مکرری که در حق بنده داشتند بسیار سپاسگزارم.